

« زن و مطالعات خانواده »
سال دهم - شماره چهارم - تابستان ۱۳۹۷
ص: ۲۹-۵۰
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۳۰

مقایسه مسؤولیت پذیری و انگیزه پیشرفت تحصیلی در نوجوانان با مادران شاغل و خانه دار (پسر و دختر)

اکرم السادات حسینی^۱

دکتر مجید ضرغام حاجبی^۲

دکتر عباس حبیب زاده^۳

مریم احمدی فقیه^۴

چکیده

خانواده به عنوان اساسی‌ترین نهاد اجتماعی، در طول تاریخ بشری بر اثر عوامل گوناگون دست‌خوش تغییر شده است که یکی از این عوامل اشتغال زنان و تاثیر آن در تربیت فرزندان است. هدف پژوهش حاضر بررسی مقایسه‌ای مسؤولیت‌پذیری و انگیزه پیشرفت در نوجوانان (پسر و دختر) با مادران شاغل و خانه‌دار بود. روش تحقیق علی - مقایسه‌ای و جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پایه نهم شهرستان قم، در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ بود که تعداد ۳۷۲ نفر از آنها (۱۸۶ دانش‌آموزان پایه نهم شهرستان قم، در سال تحصیلی ۹۵-۹۴) بود که تعداد ۳۷۲ نفر از آنها (۱۸۶ دانش‌آموز با مادر شاغل و ۱۸۶ دانش‌آموز با مادر خانه‌دار، ۱۸۶ دختر و ۱۸۶ پسر) با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه مسؤولیت‌پذیری نوجوانان کرمی و نعمتی و انگیزه پیشرفت هرمنس بود. برای تحلیل داده‌ها از روش توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آزمون مانوا و آزمون تی مستقل استفاده شد. یافته‌ها نشان دادند که میانگین نمره کلی مسؤولیت‌پذیری در نوجوانان با مادران خانه دار بیشتر از شاغل است و این تفاوت معنادار است ($P < 0.05$). اما در مقایسه انگیزش پیشرفت، این تفاوت معنی دار نیست. ضمناً در مقایسه مسؤولیت‌پذیری دختران و پسران، تفاوت در خرده مقیاس امانتداری معنادار بود ($P < 0.001$) که حاکی از بالاتر بودن میانگین امانتداری در پسران نسبت

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران tabassom.moshavere@gmail.com

۲. استادیار گروه روانشناسی واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسؤل) zarghamhajebi@gmail.com

۳. دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه قم، ایران habibzade2008@yahoo.com ،

۴. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران m.ahmadi.f@gmail.com

به دختران است. از لحاظ انگیزش پیشرفت تحصیلی نیز، این تفاوت معنادار بود ($P < 0.01$) و میانگین نمره انگیزش پیشرفت تحصیلی در دختران بیشتر از پسران بود. بنابراین اشتغال مادران بر محیط خانواده خصوصا بر مسؤولیت‌پذیری و انگیزه پیشرفت فرزندانشان تاثیرگذار است و با توجه به جنسیت نیز در مورد این متغیرها تفاوت وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: مسؤولیت‌پذیری، انگیزه پیشرفت، نوجوانان، مادران شاغل، مادران خانه دار

مقدمه

خانواده نهادی است که به عنوان ارزشی ضروری، موردقبول و مشترک در جوامع تلقی می‌شود. نسل در خانواده تداوم می‌یابد و فرایند اجتماعی شدن افراد در آن تکمیل می‌شود (کلیک و همکاران ۲۰۱۲،^۱). در میان اعضای خانواده بیشترین سهم تاثیرگذاری بر فرزندان از سوی مادر است زیرا که مادر نقش بسزایی در رشد شخصیت و آینده آنان دارد و با توجه به تحولات اقتصادی و اجتماعی در این سالها و نیاز روز افزون جامعه به نیروی انسانی، با افزایش تعداد مادران شاغل در بیرون از منزل مواجه شده است. از جمله مهمترین علل اشتغال مادران، مسائل اقتصادی و اجتماعی است (فورنهام و مونسن، ۲۰۱۴)^۲ از یک سو تمایل به حفظ و بهبود سطح زندگی خانوادگی و از سوی دیگر افزایش هزینه‌های زندگی موجب گردیده است که مادر و پدر، هر دو برای افزایش سطح درآمد خانواده مشغول به کار شوند و عوامل موثر دیگر شامل بالا رفتن سطح تحصیلات زنان و گرایش آنها به استقلال مالی، مشارکت اجتماعی، رشد اجتماعی و فرهنگی است (کلارک - استوارت ۱۹۸۹،^۳ و شرایط شغلی مادر بر نگرش و باورهای او بر محیط خانواده و نحوه فرزندپروری وی تاثیر می‌گذارد (چامرو و همکاران، ۲۰۱۳).^۴

طبق نظریه نظام‌های بوم شناختی، استخدام مادر یک عامل بوم شناختی است که بر خانواده، رفتار فرزندان و سبک تربیتی تاثیر مهمی دارد. تقاضای مداوم و مکرر خانوادگی و شغلی برای زنان شاغل پدیده‌ای به نام نقش (مسؤولیت بیش از حد) را ایجاد می‌کند. هنگامی که تقاضاهای یک نقش بیش از حدی است که فرد بتواند به آسانی با آنها مقابله کند و یا هنگامی که از فرد واحدی تقاضای اجرای نقش‌های چندگانه می‌شود، نقش (مسؤولیت بیش از حد) به وجود می‌آید. در حالی که این پدیده مهم دارای پیامدهای فراوان برای مادران شاغل و فرزندان آنها می‌باشد، اما زنان خانه‌دار با این شرایط خیلی کمتر مواجه هستند. مقایسه مسؤولیت‌ها و وظایف مادران شاغل و خانه‌دار به خوبی احتمال وجود تفاوت در سبک‌های فرزندپروری و وضعیت تحول عاطفی و رفتاری مادران شاغل و خانه‌دار را روشن می‌سازد.

1. Celik, & Saricam
2. Furnham & Monsen
3. Clarc & Stewart
4. Chamorro

زنان شاغل بعد از ساعت‌های طولانی اشتغال در بیرون از خانه وقتی به خانه باز می‌گردند، باید وظایف مربوط به نقش همسری و نقش مادری را نیز انجام دهند. آنها در مقایسه با مردان بیشتر مسؤول کارهای مراقبتی و خانه‌داری هستند. از سوی دیگر برنامه‌های کاری غیرمنعطف در اکثر کشورهای جهان، فرصت و زمان اندکی برای رسیدگی به امور روزمره زندگی و فرزندان و یا خانواده به طور کلی باقی می‌گذارد (فوگل، ۱۹۹۷). بنابراین چنین وظایفی موجب تنیدگی‌های روان‌شناختی و جسمانی، احساس خستگی، تنهایی و انزوا، احساس تعارض و درگیری دائمی برای ایجاد تعامل بین نقش مادری، همسری و اشتغال بیرون از خانه می‌شود و مهم‌تر آنکه موجب احساس گناه و نگرانی درباره ترک فرزند و چگونگی مراقبت‌های غیر مادرانه از کودک در غیاب او می‌شود و در حالی که زنان خانه‌دار کمتر با این نوع تعارضات و احساس گناه درباره فرزندان خود مواجه‌اند (کلارک - استوارت، ۱۹۸۹) زیرا به دلیل نداشتن مسؤولیت‌های متعدد ساعات زیادی حضور فیزیکی برای فرزندان خود دارند و اغلب احساس می‌کنند که تمام وقت خود را در اختیار خانواده و فرزندان خود هستند. برخی از مادران شاغل دلبستگی نایمن را در کودکان خود تسریع می‌کنند زیرا غیرقابل دسترس هستند، نه تنها به دلیل آن که تمام روز دور از فرزندان به سر می‌برند بلکه به این دلیل که حتی در مواقعی که در کنار آنها قرار دارند مجبور به انجام وظایفی هستند که در رقابت با وظایف مربوط به فرزندان است. برخی از مادران شاغل بیش از حد کار می‌کنند و خسته هستند و دائم زیر فشار زمان قرار دارند. زمان، یک مفهوم مهم در ارتباط بین مادر - فرزند است.

در نظریه‌های تحولی، زمان به عنوان یک منبع یا وسیله ارزشمندی است که والدین آن را در فرزندان شان سرمایه گذاری می‌کنند. بنابراین غیر منطقی نیست اگر این مادران از لحاظ روانی و عاطفی برای فرزندان خود غیرقابل دسترس باشند. در واقع نه تنها کمیت زمان بلکه کیفیت ارتباط فرزند - مادر مهم است. زمانی را که مادر با فرزند می‌گذارد باید همراه با توجه و مسؤولیت‌پذیری برای رشد همه جانبه آنها باشد (فورنهام و مونسن، ۲۰۱۲) چنین وضعیتی در مورد زنان خانه‌دار صادق نیست. زیرا ساعات طولانی بدون آن که در معرض فشار زمان باشند در کنار فرزند خود قرار دارند و زمانی را که می‌توانند صرف در آمدزایی کنند، به امور تربیت فرزندان خود اختصاص می‌دهند. در نتیجه احتمال وجود سبک‌های فرزند پروری مثبت‌تر در مادران خانه‌دار بیشتر است. در این نوع خانواده‌ها پدران، اصلی‌ترین نقش را در سبک درآمد خانواده دارند. به این ترتیب کودکان به نسبت سودمندی والدین خود، هم زمان (از مادر) و هم منابع مالی مورد نیاز را (از پدر) به دست می‌آورند. حال اگر این تناسب نقش‌ها به هم بخورد بیشتر احتمال دارد با سبک‌های تربیتی منفی‌تر مواجه شوند (کلارک - استوارت، ۱۹۸۹).

سبک زندگی به شیوه زندگی طبقات و گروه‌های اجتماعی گوناگون جامعه تعبیر می‌شود. در فرمول بندی نخست، سبک زندگی معرف ثروت و موقعیت افراد و اغلب به عنوان شاخصی برای طبقه اجتماعی به کار می‌رفته است. در فرمول بندی دوم، سبک زندگی راهی برای تعریف ارزشها، نگرشها، رفتارها یا

هویت افراد است که در تحلیل‌های اجتماعی روز به روز افزایش می‌یابد. سبک زندگی از دیدگاه (زیمل، ۱۹۷۱) یکی از شیوه‌هایی است که افراد برای تعریف هویتشان در ارتباط با جامعه توده‌ای جستجو می‌کنند و سبک‌های زندگی، استراتژی‌هایی برای تحقق یافتن تسلط فرهنگ عینی برای زندگی روزمره در جامعه مدرن هستند. از نظر (وبلن، ۲۰۰۴) ۲ مشاغل متفاوت، الگوهای زندگی و سبک اندیشیدن و انتظار طبقاتی متفاوت دارند. از دیدگاه (وبر، ۱۹۷۸) ۳، سبک زندگی، تفاوت بین گروهی را ایجاد می‌کند و به برتری‌های منزلتی و طبقاتی مشروعیت می‌بخشد. گروه‌های منزلت از راه سبک‌های زندگی به گروه مرجع تبدیل می‌شوند و معیار قضاوت اجتماعی قرار می‌گیرند. بدین ترتیب از نظر وبر سبک زندگی پیوستگی بسیار نزدیکی با نوع اشتغال فرد دارد (به نقل از کردی و هادیزاده، ۱۳۹۱). در بین دیدگاه‌های سبک زندگی، نظریه خانواده دوگانه شغلی هم زن و هم شوهر به شغل‌هایی اشتغال دارند که مستلزم درجه عالی تخصص و در کنار آن، پذیرش مسئولیت در سطوحی مشابه اند و به تحلیلی ساختاری از فشارهایی مبادرت ورزیده اند که این نوع خانواده‌ها هنگام انطباق با دگرگونی اجتماعی تجربه می‌کنند (ابراهیمی و صالحی، ۱۳۹۳). گرایش زن به سوی اشتغال بیش از همه بر خانواده اثر می‌نهد و روابط زن و شوهر و فرزندان را دگرگون می‌سازد و این امر همواره مورد توجه صاحب نظرانی که اشتغال زن را از دیدگاه جامعه‌شناسی بررسی نموده اند، قرار گرفته است. از نظر جامعه‌شناسان کارکردگرا، تنها نقش اساسی زنان در جامعه برآوردن نیازهای جنسی مردان و فرزند زایی است و نباید تغییری در این نقشها ایجاد گردد و زنان نباید در زندگی شغلی از الگوی مردانه پیروی کنند و در رقابت مستقیم با مردان طبقه خویش برآیند. زیرا تغییر در فرصت‌های شغلی و ایجاد برابری موجب از هم گسیختگی ساخت خانواده خواهد شد (همان). ابعاد اشتغال زن و یا مادر از عواملی منشا می‌گیرد که خود در هر جامعه و با توجه به ارزشهای حاکم بر آن، شبکه‌ای متمایز تشکیل می‌دهد. بررسی‌هایی که در جوامع صنعتی در این مورد صورت گرفته است، حکایت از تنوع عوامل و مخصوصاً پیدایی عوامل روانی و خواستی در برابر نیاز مادی می‌نماید. یکی از انگیزه‌های زنان شوهردار برای قبول شغل که از همه شایع تر است، میل شخصی زنان به گریختن از محیط به اصطلاح خسته کننده و کسالت آور خانه است (ساروخانی، ۱۳۸۲). در همین راستا، هومنز تبیین کارکرد گرایانه و تبیین‌هایی را که با استفاده از مفاهیمی چون واقعیت اجتماعی، هنجارها، ارزش‌ها و فرهنگ به تبیین رفتار انسانی می‌پردازند، کنار می‌گذارد و تبیین درست را تبیین روان‌شناختی می‌داند (ابراهیمی و صالحی، ۱۳۹۳). یکی از رویکردهای مدافع اشتغال زنان، رویکرد فمینیسم است که بر پایه نظریات افرادی چون (تراویس، ۴، گرگن، ۵ و براون، ۶، به نقل از صمدپور، ۱۳۹۲)

1. Simmel
2. Veblen
3. Weber
4. Travis
5. Glegen
6. Brown

استوار است. این نظریه، شکلها و علل نابرابری زنان با مردان را تجزیه و تحلیل می کند و تدابیری را برای دگرگون ساختن وضع پیشنهاد می کند. هدف این نظر، بازشناسی و معتبرسازی واقعیت زن، تفسیرهای زنان و سهم آنان در زمینه‌های مختلف است. اجتماعی کردن نقش جنسیتی زنان یکی از هدفهای مهم این دیدگاه است (آستین، ترجمه خطیبی، ۱۳۸۷). بر طبق تئوری مبادله، هر رابطه هم پاداش و هم هزینه در بر دارد و رفتار عقلانی، بیشینه کردن پاداشها و کمینه کردن هزینه‌ها، استانداردها و ارزشهای مردم، نوع انتخابها و پاداشها و هزینه‌های آن را تعیین می کند (زیمرمان، ۲۰۰۸).

امروزه یکی از دغدغه‌های اصلی والدین برای فرزندان خود، پیشرفت تحصیلی و انگیزه پیشرفت آنهاست. واضعان نظریه انگیزه پیشرفت مک کلند، اتکینسون، کلارک هستند. از نظر اتکینسون، انگیزه پیشرفت میل برای کسب موفقیت و شرکت در فعالیتهایی که موفقیت در آنها به کوشش و توانایی شخصی ارتباط دارد، انگیزه پیشرفت شامل چهار مولفه رفتار پیشرفت، انگیزه موفقیت، احتمال ذهنی موفقیت و ارزش تشویقی موفقیت است (اتکینسون ۱۹۸۶۳ به نقل از ساده، ۱۳۹۰). انگیزه پیشرفت تحصیلی نیز بر عملکرد تحصیلی تاثیرگذار است و با سلامت روان در ارتباط است (میر کمالی و همکاران، ۱۳۹۴) و نیز رابطه معنادار بین این دو متغیر وجود دارد (چتری، ۲۰۱۴). در شکل‌گیری این رابطه عوامل گوناگونی دخیل هستند. به عنوان نمونه، یافته‌های پژوهشی نشان داد دخترانی که مادران شاغل دارند نسبت به دخترانی که مادران غیرشاغل دارند از پیشرفت تحصیلی، سازگاری اجتماعی و استقلال بیشتری برخوردارند. پس وضعیت شغلی مادران عامل مهمی در پیشرفت فرزندان محسوب می شود. از طرفی دیگر، انگیزه پیشرفت نشانه منحصر به فرد بودن انسان بوده و این احساس منحصر به فرد بودن، مسؤولیت عمیقی را به همراه دارد (ساده، ۱۳۹۰). ضمن اینکه حمایت از استقلال و خود مختاری نوجوانان، پیش‌بینی کننده دیدگاه‌های مرتبط با پیشرفت در دانش‌آموزان است (کنی و همکاران، ۲۰۱۰). برای رسیدن به استقلال در دانش‌آموزان نیز مسؤولیت‌پذیری نقش بسیار مهمی دارد و در این میان انگیزش پیشرفت هم در شکل‌گیری مسؤولیت‌پذیری تاثیر زیادی دارد و برخی پژوهشها نیز نشان داده‌اند که بین مسؤولیت‌پذیری و انگیزش پیشرفت در نوجوانان ۷ رابطه مثبت وجود دارد (زیمرمان، ۲۰۰۸؛ کازان، ۲۰۱۲، کاترین ۱۹۹۱).

-
1. Austin
 2. achievement motivation
 3. Atkinson
 4. Chetri
 5. working mothers
 6. Kenny
 7. young
 8. Zimmerman
 9. Cazan

واژه مسؤولیت در رشته‌های فلسفه، جامعه‌شناسی و حقوق به کار رفته است. جان استوارت میل در مقاله خود با عنوان "در مورد آزادی" از این واژه استفاده کرد و در ادامه ماکس و بر با مطرح کردن اخلاق مسؤولیت، زمینه ورود این واژه را به جامعه شناسی فراهم نمود و آدلر با عنوان علاقه اجتماعی از واژه مسؤولیت‌پذیری در روانشناسی استفاده کرد و به اهمیت مادر به عنوان اولین کسی که کودک با او ارتباط برقرار می‌کند، اشاره کرده است. مادر از طریق رفتار با کودک می‌تواند علاقه اجتماعی را پرورش دهد یا از آن جلوگیری کند (شولتز ۲۰۰۵، ۲؛ ترجمه سید محمدی ۱۳۹۶). مسؤولیت‌پذیری به تنهایی اشاره به حس وظیفه شناسی، پاسخگو بودن و تعهد دارد (آلن ۳، ۲۰۱۰). مسؤولیت‌پذیری فرایندی است که فرد باید از اولین سالهای کودکی، آن را آموخته باشد تا با وظایف متعددی که در دورانهای مختلف زندگی روبه‌رو می‌شود مسؤولانه برخورد کند. فرزندان احساس مسؤولیت را از والدین، مدرسه، دوستان و اجتماع می‌آموزند و با آموختن آن، این مهارت با ارزش را تا آخر عمر حفظ کرده و این امر باعث موفقیت بیشتر آنها در امور زندگی می‌شود و در این بین، مادر، نخستین عامل موثر در ایجاد مسؤولیت در افراد است. (اندر و گالی، ۲۰۰۹، ۴)

مؤلفه‌های مسؤولیت‌پذیری ۵:

خود مدیریتی ۶: اداره هیجانانگیز و احساسات، به طوری که به جای مانع شدن از اداره موقعیت‌ها، عاملی کمک‌کننده باشد، مسؤول بودن و خویش‌داری برای دست‌یابی به هدف‌ها و پافشاری در جبران شکست‌ها و ناکامی‌ها.

نظم‌پذیری ۷: دقت و مراقبت در استفاده از وسایل و جایگزینی صحیح آنها، داشتن آمادگی لازم قبل از انجام کار، تمیز و مرتب بودن در امور و رعایت بهداشت.

قانونمندی ۸: تبعیت از قواعد و معیارهای اجتماعی و درک قوانین گروهی، احساس التزام عمل در موقعیت‌های گوناگون، تقید نسبت به دیگران و رعایت حقوق آنها.

امانت‌داری ۱: تعهد نسبت به نگهداری حفاظت از جان و مال و حقوق دیگران و وفاداری نسبت به عهد و پیمان

1. Kathryn
2. Schultz
3. Alan
4. Onder & Gulay
5. responsibility
6. self management
7. Orderliness
8. Lawfulness

وظیفه شناسی ۲: انجام اعمال و تکالیف محلوله به طور شایسته حتی بدون تذکر دیگران، دیگر خواهی و جامعه دوستی، کمک کننده و یاری دهند

سازمان یافتگی ۳: مورد بررسی قراردادن امور امکان سنجی و برنامه ریزی در انجام کارها، بودجه بندی و پس انداز منظم.

پیشرفت گرایی ۴: آگاهی و میل به بهتر شدن، انگیزه ای درونی است برای به پایان رساندن موفقیت آمیز یک تکلیف، رسیدن به یک هدف یا دستیابی به درجه معینی از شایستگی در کار. (ریوه، ۲۰۰۵) پیشرفت گرایی را میل به انجام خوب کارها در مقایسه با محرک معیار (خود، تکلیف، قضاوت دیگران) تعریف می کند. در خانواده‌هایی که مادر شاغل است نوع تعامل کم با فرزندان در رشد روانی - اجتماعی آنها اثرگذار است. اگر چه مادران شاغل وقت کمتری را با فرزندان مدرسه‌ای خود صرف می کنند ولی رابطه قابل قبولی با آنها دارند (تانگ و همکاران ۲۰۰۹). از طرفی، روانشناسان بیشتر علاقه‌مندند که پژوهش‌های خود را بر چگونگی روابط بین والدین و کودکان و تاثیری که شغل مادر بر زندگی خانوادگی می‌گذارد متمرکز کنند. رفتار فرزندان به محیط خانوادگی بستگی دارد، بنابراین والدین در برابر کودک مسؤول هستند و برای انجام مسؤولیت‌ها باید آمادگی داشته باشند. همچنین مسؤولیت‌پذیری و انگیزش فرزندان نیز از عوامل بسیار مهمی است که بر خلاقیت، موفقیت و احساس کفایت و لیاقت آنان تاثیر مستقیم دارد (بلاسکوا، ۲۰۱۴) فرزندان والدین قاطع‌گرایش بیشتری به خود اتکایی و خویشتن داری داشته و خواستار کشف و جستجو هستند و پذیرش بیشتری نسبت به مقررات اجتماعی دارند، دختران نسبت به پسران مستقل‌تر و پسران از لحاظ اجتماعی مسؤولیت‌پذیرتر هستند (هاور و همکاران، ۲۰۰۹). مادران خانه دار ۹ شیوه تربیتی مقتدرانه‌تری از مادران شاغل دارند (خانجانی و محمود زاده، ۱۳۹۲). و این می‌تواند حس مسؤولیت بیشتری را در فرزندان ایجاد نماید (هلکر و وسنیتزا، ۲۰۱۶). برخی مطالعات از آثار منفی اشتغال مادر بر وضعیت روانشناختی فراتر رفته‌اند و نشان داده اند که مادران شاغل زمان کمتری برای نظارت بر فعالیت‌های روزانه فرزندان خود دارند و چون در خانه نیستند فرزندان آنها بیش از مادران خانه‌دار از تلویزیون استفاده می‌کنند و مشکلات ارتباطی بیشتری دارند و از عزت نفس پایین‌تری

1. Bailment
2. Duty
3. Organization
4. Progression
5. Rio
6. Tong
7. Blascova
8. Huver
9. Working mothers
10. Helker & Wosnitza

برخوردارند (کاسلین ۱ و همکاران، ۲۰۱۳). حس مسئولیت‌پذیری مادران شاغل در قبال فرزندانشان باعث می‌شود روش‌های صحیح مسئولیت‌پذیری در کودکان با مشکل روبه‌رو شود. به عبارت دیگر در مادران شاغل با نوعی معضل اجتماعی به نام فرزندسالاری روبه‌رو هستیم. یعنی با فراهم کردن تمامی خواسته‌های فرزندانشان شرایط قبول مسئولیت را از فرزند خود دریغ می‌کنند. بنابراین از مسئولیت‌پذیری پایین تری برخوردارند (تران ۲ و همکاران ۲۰۱۱؛ پارک ۲۰۱۰؛ عابدینی ۱۳۷۹؛ فرهادی، ۱۳۸۳ و شامخ، ۱۳۸۶). چنین تناقضات آشکاری باعث شد تا به منظوریافتن پاسخی روشنتر در رابطه با تاثیر اشتغال مادر بر رشد فرزندان پژوهشی انجام گیرد. چرا که امروزه در ایران نیز روز به روز بر تعداد مادران شاغل تمام وقت افزوده می‌شود و انجام پژوهش‌هایی در این زمینه برای جامعه در حال رشد ما از اهمیت فراوانی برخوردار است. با توجه به دیدگاه‌های متفاوت در زمینه اشتغال زنان، پژوهش حاضر در صدد است با یک رویکرد کاملاً علمی و جانبداری از رویکرد خاصی، دو متغیر مسئولیت‌پذیری و انگیزه پیشرفت تحصیلی را در نوجوانان با مادران شاغل و خانه‌دار مورد مقایسه قرار دهد.

تعریف مفهومی متغیرها

بر اساس استاندارد سازمان بین‌المللی کار «(ILO) تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در طول هفته حداقل یک ساعت کار کرده باشند فرد شاغل محسوب می‌شوند»؛ در ایران نیز نرخ بیکاری و شاغلان هم با همین معیار محاسبه می‌شود. انگیزه پیشرفت، میل برای کسب موفقیت و شرکت در فعالیتهایی که موفقیت در آنها به کوشش و توانایی شخصی ارتباط دارد (اتکینسون ۱۹۸۶ به نقل از ساده، ۱۳۹۰). مسئولیت‌پذیری به تنهایی اشاره به حس وظیفه‌شناسی، پاسخگو بودن و تعهد دارد (آلن، ۲۰۱۰).

تعریف عملیاتی متغیرها

مسئولیت‌پذیری؛ در این پژوهش، نمره ای است که افراد از پرسشنامه مسئولیت‌پذیری (کرمی و نعمتی) کسب می‌کنند.

انگیزه پیشرفت؛ در این پژوهش، نمره ای است که افراد از آزمون انگیزش پیشرفت (هرمنس) دریافت می‌کنند.

شاغل؛ در این پژوهش مادرانی که در اداره‌های دولتی، در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ در شهر قم مشغول به کار هستند.

-
1. Caseline
 2. Tran
 3. Park

متغیرهای پژوهش

در این پژوهش متغیر مستقل، وضعیت شغلی مادر است و متغیرهای وابسته، مسؤولیت پذیری و انگیزش پیشرفت و متغیرکنترل کننده پایه تحصیلی و متغیرتعدیل کننده جنسیت می باشد.

پرسش‌های پژوهش

پرسش اول: آیا بین مسؤولیت پذیری و ابعاد آن در نوجوانان با مادران شاغل و غیر شاغل تفاوت معنادار وجود دارد؟

پرسش دوم: آیا بین مسؤولیت پذیری و ابعاد آن در نوجوانان پسر با دختر تفاوت معنادار وجود دارد؟

پرسش سوم: آیا بین انگیزش پیشرفت تحصیلی در نوجوانان با مادران شاغل و خانه‌دار تفاوت معنادار وجود دارد؟

پرسش چهارم: آیا بین انگیزش پیشرفت تحصیلی در نوجوانان پسر با دختر تفاوت معنادار وجود دارد؟

منظور از خانه دار در این پژوهش، مادرانی که به خانه داری و رسیدگی به امور همسر و فرزندان مشغول هستند.

روش و ابزار

پژوهش حاضر توصیفی از نوع علی - مقایسه‌ای است که با هدف بررسی مقایسه‌ای مسؤولیت پذیری و انگیزه پیشرفت در نوجوانان با مادر شاغل و مادر خانه‌دار انجام شده است.

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری مورد مطالعه شامل کلیه دانش آموزان پایه نهم شهر قم، ورودی سال تحصیلی ۹۵-۹۴ بودند که آمار آنها براساس آمار وزارت آموزش و پرورش ۱۵۳۴۶ نفر اعلام شد، از نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهر قم، به روش نمونه گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند و در گروه نمونه قرار گرفتند. با توجه به حجم جامعه (۱۵۳۴۶ نفر)، نمونه مورد نیاز بر حسب جدول مورگان، ۳۷۲ نفر برآورد شد؛ که از این تعداد، ۱۸۶ دانش آموزان با مادر شاغل و ۱۸۶ دانش آموز با مادر خانه‌دار مورد آزمون قرار گرفتند. نمونه آماری به تفکیک جنسیت نیز ۱۸۶ دانش آموز دختر و ۱۸۶ دانش آموز پسر را شامل شدند. حجم نمونه به تفکیک جنسیت در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی - درصدی انتخاب دانش آموزان بر حسب جنسیت

جنسیت	تعداد در جامعه	نسبت نمونه گیری	تعداد در نمونه
دختر	۷۶۸۴	۰/۵	۱۸۶
پسر	۷۶۶۲	۰/۵	۱۸۶
جمع کل	۱۵۳۴۶	۱	۳۷۲

ابزار پژوهش

به منظور جمع آوری داده‌ها از دو ابزار اندازه گیری استفاده شد که عبارتند از:

پرسشنامه مسؤلیت پذیری

این پرسشنامه توسط کرمی و نعمتی در سال ۱۳۷۸ ساخته شد و شامل مولفه‌های خود مدیریتی، نظم پذیری، قانونمندی، امانت داری، وظیفه شناسی، سازمان یافتگی، پیشرفت گرایی که دارای بعد شخصی و بعد اجتماعی هستند می شود. برای هر سوال یا عبارت پنج گزینه پاسخدهی وجود دارد که برخی از سوالات مستقیم نمره گذاری می شوند شامل سوالات ... و برخی به طور معکوس نمره گذاری می شوند شامل سوالات ... روش نمره گذاری: هر عبارت شامل ۵ گزینه است: «کاملاً موافق (نمره ۵)، موافق (نمره ۴)، بی نظر (نمره ۳)، مخالف (نمره ۲)، کاملاً مخالف (نمره ۱)، نمره گذاری از سیستم ۱ تا ۵ پیروی می کند. نمره گذاری سوالات ۶، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۴۶ معکوس می شود. پایایی این پرسشنامه (ضریب آلفای کرونباخ) ۰/۹۱ گزارش شده است و در این پژوهش نیز، ۰/۸۸ به دست آمد.

مقیاس انگیزش پیشرفت

هرمنس (۱۹۷۰) براساس روش‌های تجربی و نظریات موجود درباره انگیزه پیشرفت پرسشنامه ای تهیه کرد که ابتدا شامل ۹۲ سوال بود، ولی براساس پژوهش‌های موجود ۱۰ ویژگی متمایز کننده افراد دارای انگیزه پیشرفت بالا از افراد دارای انگیزه پیشرفت پایین را برای ساخت پرسشنامه مدنظر قرار داد و در نهایت یک پرسشنامه ۴۰ سوالی به عنوان ابزار پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. نمره گذاری سوالات ۱، ۴، ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۳، ۲۵ و ۲۸ و ۲۹ به صورت الف ۱ نمره، ب ۲ نمره و ج ۳ نمره و د ۴ نمره و سوالات ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، الف ۴ نمره، ب ۳ نمره، ج ۲ نمره، د ۱ نمره محاسبه می شدند. پایایی این پرسشنامه (ضریب آلفای کرونباخ) ۰/۸۲ گزارش شده است و در این پژوهش نیز، ۰/۷۹ به دست آمد.

یافته‌ها

برای بررسی نرمال بودن متغیرها از (ضریب آلفای کرونباخ) استفاده شدو پایایی پرسشنامه مسؤولیت پذیری ، ۸۸ / ۰ به دست آمدو پایایی پرسشنامه انگیزش پیشرفت ، ۷۹ / ۰ به دست آمدو باتوجه به سطوح معنی داری به دست آمده نتیجه می گیریم توزیع پراکندگی نمرات متغیرها نرمال می باشد. برای تحلیل داده ها از روش توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) برای کل نمونه (به تفکیک وضعیت شغلی مادر) در جدول شماره ۲ ارائه شده است و آزمون مانوا و آزمون تی مستقل استفاده شد.

جدول ۲: یافته های توصیفی متغیرهای پژوهش

وضعیت شغلی مادر		مسؤولیت پذیری		انگیزش پیشرفت تحصیلی	
میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
۱۰۴	۲۴	۵۵	۸	۱۰۴	۸
۱۰۹	۲۵	۵۷	۸	۱۰۹	۸

آزمون سؤالات پژوهش

پرسش اول: آیا بین مسؤولیت پذیری و ابعاد آن در نوجوانان با مادران شاغل و خانه دار تفاوت معنادار وجود دارد؟

در بررسی اولین پرسش پژوهش، یافته ها به شرح زیر گزارش شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون های معناداری تحلیل واریانس چند متغیره

وضعیت اشتغال مادران	آزمون	V	F	P	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۹۸	۳/۵۸	۰/۰۲۹	۰/۰۱۹	۰/۰۱۹
ردیابی فیلائی	۰/۱۹	۳/۵۸	۰/۰۲۹	۰/۰۱۹	۰/۰۱۹
ردیابی هتلینگ	۰/۲۰	۳/۵۸	۰/۰۲۹	۰/۰۱۹	۰/۰۱۹
بزرگترین ریشه روی	۰/۲۰	۳/۵۸	۰/۰۲۹	۰/۰۱۹	۰/۰۱۹

همان طور که در جدول فوق مشاهده می شود سطوح معناداری همه آزمون ها بیانگر آن است که بین نوجوانان با مادران شاغل و مادران خانه دار در یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معنی داری وجود دارد. برای پی بردن به تفاوت از آزمون تحلیل واریانس تک عاملی استفاده شد.

جدول ۴: میانگین، انحراف استاندارد و تحلیل واریانس تک عاملی برای تفاوت گروه ها (از لحاظ اشتغال)

متغیر	وضعیت اشتغال مادران	میانگین	انحراف استاندارد	SS	MS	Df	F
نمره کلی مسؤولیت	شاغل	۱۰۴/۳۹	۲۴/۸۰	۲۹۰۱/۷۶	۲۹۰۱/۷۶	۱	۴/۵۲*
	خانه دار	۱۰۹/۹۳	۲۵/۶۹				

۱/۳۵	۱	۱۲/۲۲	۱۲/۲۲	۲/۷۸	۸/۰۰	شاغل	وظیفه شناسی
				۳/۲۰	۸/۳۲	خانه دار	
۳/۷۴	۱	۱۱۷/۴۹	۱۱۷/۴۹	۵/۴۸	۱۹/۰۶	شاغل	خود مدیریتی
				۵/۸۰	۲۰/۱۱	خانه دار	
۰/۱۰	۱	۰/۰۶۱	۰/۰۶۱	۲/۵۱	۷/۳۹	شاغل	پیشرفت گرایی
				۲/۳۱	۷/۳۸	خانه دار	
۰/۰۲۰	۱	۰/۳۹۸	۰/۳۹۸	۴/۶۶	۱۶/۵۶	شاغل	سازمان یافتگی
				۴/۲۷	۱۶/۴۶	خانه دار	
*۵/۲۵	۱	۶۵/۴۳	۶۵/۴۳	۳/۴۲	۸/۱۶	شاغل	امانتداری
				۳/۷۹	۹/۱۲	خانه دار	
۳/۷۹	۱	۱۷۱/۸۵	۱۷۱/۸۵	۶/۷۲	۱۸/۸۳	شاغل	نظم
				۶/۷۶	۲۰/۲۶	خانه دار	
*۳/۸۵	۱	۳۲۶/۰۶	۳۲۶/۰۶	۹/۰۷	۲۷/۳۹	شاغل	قانونمندی
				۹/۴۵	۲۹/۱۶	خانه دار	

*p<0.05

بر اساس نتایج گزارش شده در جدول فوق، یافته‌ها حاکی از این است که در نمره کلی مسؤلیت پذیری، وظیفه شناسی، خودمدیریتی، امانتداری، نظم و قانونمندی میانگین نمرات دانش آموزان با مادران خانه دار بالاتر میانگین نمرات دانش آموزان با مادران شاغل است. بررسی این تفاوت با استفاده از آزمون تک عاملی بیانگر آن است که تفاوت معناداری بین این دو گروه در میانگین نمره کلی مسؤلیت پذیری (F=4/52, P<0.05) و در میانگین خرده مقیاس‌های امانتداری (F=5/25, P<0.05) و قانونمندی (F=3/85, P<0.05) وجود دارد.

پرسش دوم: آیا بین مسؤلیت پذیری و ابعاد آن در نوجوانان پسر با دختر تفاوت معنادار وجود دارد؟

در بررسی دومین پرسش پژوهش، یافته‌ها به شرح زیر گزارش شده است.

جدول ۵: نتایج آزمون‌های معناداری تحلیل واریانس چند متغیره بر روی میانگین نمرات مسؤلیت پذیری

جنسیت	آزمون	V	F	P	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۹۷	۴/۸۳	۰/۰۰۸	۰/۰۲۶	

۰/۰۲۶	۰/۰۰۸	۴/۸۳	۰/۰۲۶	ردیابی فیلادی
۰/۰۲۶	۰/۰۰۸	۴/۸۳	۰/۰۲۶	ردیابی هتلینگ
۰/۰۲۶	۰/۰۰۸	۴/۸۳	۰/۰۲۶	بزرگترین ریشه روی

همان طور که در جدول فوق مشاهده می شود سطوح معناداری همه آزمون‌ها بیانگر آن است که بین نوجوانان پسر با دختر در یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معنی داری وجود دارد. برای پی بردن به تفاوت از آزمون تحلیل واریانس تک عاملی استفاده شد.

جدول ۶: میانگین، انحراف استاندارد و تحلیل واریانس تک عاملی برای تفاوت گروه‌ها (از لحاظ جنسیت)

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	SS	MS	Df	F
نمره کلی مسؤولیت	دختر	۱۰۷/۳۷	۲۵/۴۳	۶۷/۰۸	۶۷/۰۸	۱	۰/۱۰۵
	پسر	۱۰۶/۹۴	۲۵/۳۷				
وظیفه شناسی	دختر	۸/۳۸	۲/۸۹	۲۰/۷۴	۲۰/۷۴	۱	۲/۳۰
	پسر	۷/۹۴	۳/۰۹				
خود مدیریتی	دختر	۲۰/۰۶	۶/۰۸	۱۰۱/۴۱	۱۰۱/۴۱	۱	۳/۲۲
	پسر	۱۹/۱۰	۵/۱۸				
پیشرفت گرایی	دختر	۷/۳۲	۲/۵۱	۱/۴۵	۱/۴۵	۱	۰/۲۴
	پسر	۷/۴۵	۲/۳۱				
سازمان یافتگی	دختر	۱۶/۷۲	۴/۵۹	۱۵/۸۸	۱۵/۸۸	۱	۰/۷۸
	پسر	۱۶/۳۰	۴/۳۵				
امانتداری	دختر	۷/۸۴	۳/۱۵	۲۱۸/۹۷	۲۱۸/۹۷	۱	۱۷/۵۸***
	پسر	۹/۴۴	۳/۹۱				*
نظم	دختر	۱۹/۰۹	۶/۹۴	۶۱/۶۸	۶۱/۶۸	۱	۱/۳۶
	پسر	۲۰/۰۱	۶/۵۸				
قانونمندی	دختر	۲۸/۹۳	۸/۹۱	۱۹۳/۸۳	۱۹۳/۸۳	۱	۲/۲۸
	پسر	۲۷/۶۲	۹/۶۴				

P<0.001***

بر اساس نتایج گزارش شده در جدول فوق، یافته‌ها حاکی از این است که در نمره کلی مسؤولیت پذیری و در خرده مقیاس‌های خود مدیریتی، وظیفه شناسی، سازمان یافتگی و قانونمندی، میانگین نمره دختران بیشتر از پسران و در خرده مقیاس‌های پیشرفت گرایی، امانتداری و نظم، میانگین نمره پسران بیشتر از دختران است. بررسی این تفاوت با استفاده از آزمون تک عاملی بیانگر آن است که تفاوت معناداری بین این دو گروه فقط در میانگین نمره خرده مقیاس امانتداری (F=17/58, P<0.001) وجود دارد.

پرسش سوم: آیا بین انگیزش پیشرفت تحصیلی در نوجوانان با مادران شاغل و مادران خانه دار تفاوت معنادار وجود دارد؟

برای پاسخ به این پرسش از آزمون تی مستقل استفاده شده است. نتایج آن در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۷: آزمون تفاوت انگیزش پیشرفت تحصیلی بر اساس وضعیت اشتغال مادران

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	T	سطح معنی داری
مادران شاغل	۵۵/۰۱	۸	-۱	۰/۰۷۵
مادران خانه دار	۵۷	۸		

بر اساس یافته‌های جدول فوق، میانگین نمره انگیزش پیشرفت تحصیلی در نوجوانان با مادران خانه دار بیشتر است. در بررسی تفاوت مشاهده شده بین دو میانگین بر اساس آزمون T مستقل و سطح معنی داری (۰/۰۷۵) بیانگر آن است که این تفاوت معنی دار نیست.

پرسش چهارم: آیا بین انگیزش پیشرفت تحصیلی در نوجوانان پسر با دختر تفاوت معنادار وجود دارد؟

برای پاسخ به این پرسش از آزمون تی مستقل استفاده شده است. نتایج آن در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۸: آزمون تفاوت انگیزش پیشرفت تحصیلی بر اساس جنسیت نوجوانان

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	T	سطح معنی داری
دختر	۵۸	۹	۲	۰/۰۰۳
پسر	۵۵	۸/۰۴		

بر اساس یافته‌های جدول فوق، میانگین نمره انگیزش پیشرفت تحصیلی در نوجوانان دختر بیشتر از پسر است. در بررسی تفاوت مشاهده شده بین دو میانگین بر اساس آزمون T مستقل و سطح معنی داری (۰/۰۰۳) بیانگر آن است که این تفاوت معنی دار است.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه انگیزش پیشرفت و مسؤولیت پذیری دانش آموزان (دختر و پسر) با مادران شاغل و خانه دار انجام شد. برای بررسی سوال پژوهشی اول از آزمون تحلیل پراکنش چند متغیری استفاده شد. نتایج نشان داد که در نمره کلی مسؤولیت پذیری، وظیفه شناسی، خودمدیریتی، امانتداری، نظم و قانونمندی میانگین نمرات دانش آموزان با مادران شاغل بالاتر از میانگین نمرات دانش آموزان با مادران شاغل است و تفاوت معناداری بین این دو گروه در میانگین نمره کلی مسؤولیت پذیری ($F=4/52, P<0.05$) و در میانگین خرده مقیاسهای امانتداری ($F=5/25, P<0.05$) و قانونمندی ($F=3/85, P<0.05$) وجود دارد.

نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش تران و همکاران (۲۰۱۱) و پارک (۲۰۱۰) همسو است. به طور کلی و از لحاظ مبانی نظری، یافته‌های پژوهش در مورد تفاوت مسؤولیت پذیری نوجوانان در مادران شاغل و خانه دار، می‌تواند تاییدی بر دیدگاه جامعه شناسان کارکردگرا باشد که معتقدند هیچ گونه تغییری در نقشهای اساسی زنان (شوهر داری و فرزند زایی) نباید ایجاد کرد. ولی از دیدگاه هومنز، تبیین روانشناختی در زمینه اشتغال زنان مهم است؛ و در همین راستا، تبیین احتمالی این یافته این است که مادران شاغل با توجه به شرایط شغلی خود نگرش‌ها و باورهای متفاوتی را نسبت به فرزندان و تفکر آنان دارند. در مادران شاغل حس مسؤولیت‌پذیری آنها در قبال فرزندان باعث می‌شود روش‌های صحیح مسؤولیت‌پذیری در کودکان با مشکل روبه‌رو می‌شود. به عبارت دیگر مادران شاغل با نوعی معضل اجتماعی به نام فرزندسالاری روبه‌رو هستند. یعنی با فراهم کردن تمامی خواسته‌های فرزندان، شرایط قبول مسؤولیت را از فرزند خود دریغ می‌کنند. بنابراین از مسؤولیت‌پذیری پایین‌تری برخوردارند (تران و همکاران ۲۰۱۱؛ پارک، ۲۰۱۰؛ عابدینی ۱۳۷۹؛ فرهادی، ۱۳۸۳ و شامخ، ۱۳۸۶).

از طرفی برخی پژوهشها نشان داده اند که مادران خانه دار شیوه تربیتی مقتدرانه‌تری از مادران شاغل دارند (خانجانی و محمود زاده، ۱۳۹۲) و این می‌تواند حس مسؤولیت بیشتری را در فرزندان ایجاد نماید. البته این یافته با یافته‌های پژوهش هلکرووسنیتزا (۲۰۱۶) که نقش اثر متقابل مسؤولیت‌پذیری دانش‌آموزان و والدین بر یادگیری، انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را بررسی کردند متفاوت است. زیرا در این پژوهش، مسؤولیت‌پذیری والدین با مسؤولیت‌پذیری فرزندان آنها و در نهایت پیشرفت تحصیلی و انگیزش آنها ارتباط مستقیم داشت. چون می‌توان گفت که مسؤولیت‌پذیری (قبول مسؤولیت‌های مختلف) در زنان شاغل بیشتر از زنان خانه‌دار است. در خانواده‌هایی که مادر شاغل است نوع

تعامل کم با فرزندان در رشد روانی - اجتماعی آنها اثرگذار است. اگر چه مادران شاغل وقت کمتری را با فرزندان مدرسه‌ای خود صرف می‌کنند ولی رابطه قابل قبولی با آنها دارند (تانگو همکاران ۲۰۰۹)؛ فرزندان والدین قاطع گرایش بیشتری به خود اتکایی و خویشتن داری داشته و خواستار کشف و جستجو هستند و پذیرش بیشتری نسبت به مقررات اجتماعی دارند (هاور و همکاران ۲۰۰۹). برخی مطالعات از آثار منفی اشتغال مادر بر وضعیت روانشناختی فراتر رفته‌اند و نشان داده‌اند که مادران شاغل زمان کمتری برای نظارت بر فعالیت‌های روزانه فرزندان خود دارند و چون در خانه نیستند فرزندان آنها بیش از مادران خانه‌دار از تلویزیون استفاده می‌کنند و مشکلات ارتباطی بیشتری دارند و از عزت نفس پایین‌تری برخوردارند (کاسلین و همکاران، ۲۰۱۳). در واقع حس مسئولیت‌پذیری مادران شاغل در قبال فرزندان نشان باعث می‌شود روش‌های صحیح مسئولیت‌پذیری در کودکان با مشکل روبه‌رو شود.

برای بررسی پرسش دوم از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد. یافته‌ها حاکی از این بود که درنمره کلی مسئولیت‌پذیری و در خرده مقیاس‌های خود مدیریتی، وظیفه‌شناسی، سازمان‌یافتگی و قانونمندی، میانگین نمره دختران بیشتر از پسران و در خرده مقیاس‌های پیشرفت‌گرایی، امانتداری و نظم، میانگین نمره پسران بیشتر از دختران است و تفاوت معنادار بین این دو گروه فقط در میانگین نمره خرده مقیاس امانتداری ($F=17/58, P<0.001$) وجود دارد. این یافته با یافته‌های شامخ، (۱۳۸۶) و عابدینی (۱۳۸۳)، به غیر از خرده مقیاس امانتداری - همسو است. زیرا هر دو پژوهش به این یافته رسیدند که بین مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. اما با پژوهش کرمی و نعمتی، (۱۳۷۸)، که میزان مسئولیت‌پذیری در دختران و پسران را مقایسه کردند متفاوت است زیرا نتایج آن نشان داد که به جز در عوامل نظم‌پذیری و امانت‌داری، در هیچ یک از عوامل تفاوت معناداری وجود ندارد (میانگین نظم‌پذیری در پسران و میانگین امانت‌داری در دختران بالاتر بود).

از طرفی برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که دختران نسبت به پسران مستقل‌تر و پسران از لحاظ اجتماعی مسئولیت‌پذیرتر هستند (هاورو همکاران ۲۰۰۹). این یافته به صورت کلی مسئولیت‌پذیری را سنجیده است ولی در پژوهش حاضر این تفاوت به طور کلی معنادار نبود اما فقط در خرده مقیاس امانتداری، تفاوت معنادار بود. به عبارتی امانتداری در پسران از دختران قویتر بود. همچنین بر اساس پژوهش‌های صمدپور (۱۳۹۲)، بیابانگرد (۱۳۸۸) و هاوین (۲۰۰۸)، پسران بیشتر دوست دارند مسئولیت همه کارهای خود را خودشان به عهده بگیرند؛ ولی دختران در صورت رسیدگی مادران به تحصیلات دخترانشان و وقت کافی گذاشتن برای آنها می‌توانند باعث پیشرفت تحصیلی آنان شوند. اما به طور کلی، تحلیل این یافته نیازمند بررسی بیشتر در پژوهش‌های آینده است.

برای پاسخ به پرسش سوم از آزمون تی مستقل استفاده شد و مقایسه میانگین‌های دو گروه نشانگر آن است که تفاوت میانگین انگیزش پیشرفت در نوجوانان با مادر خانه‌دار و مادر شاغل معنادار نیست. این

یافته با نتایج پژوهش صمدپور (۱۳۹۲)، بیابانگرد (۱۳۸۸) و هاوین (۲۰۰۸) همسو نیست. زیرا این تفاوت در این پژوهشها معنادار بوده است و انگیزش پیشرفت در دانش آموزان با مادر خانه دار بالاتر بوده است. براساس تحلیل‌های پژوهشهای فوق، این احتمال مطرح می‌شود که مادرانی که شاغل هستند به دلیل وقت کمی که در خانه هستند از اوضاع و احوال فرزندان خود غافل می‌شوند و در این صورت شرایطی برای تسهیل پیشرفت فرزندان ایجاد نمی‌کنند. برمبنای مطالعاتی که بر روی عوامل مرتبط صورت گرفت می‌توان گفت اشتغال مادران به خودی خود تاثیر نامطلوب چندانی بر کودک ندارد و حتی کودکان مادران شاغل و غیرشاغل نیز از نظر مشکلات رفتاری تفاوت معناداری با هم ندارند (خانجانی و محمودزاده، ۱۳۹۲). بلکه بر اساس دیدگاه‌های موجود در مورد تاثیر شغل بر سبک زندگی (و بر، ۲۰۰۵؛ و بلن، ۲۰۰۴؛ به نقل از کردی و هادیزاده، ۱۳۹۱) اشتغال مادران بر محیط خانواده و نحوه فرزند پروری تاثیر می‌گذارد و نگرش والدین، ساختار خانواده و متغیرهای دیگر می‌توانند تاثیر آن را تعدیل کنند. از طرفی مطابق با نظریه خانواده دوگانه شغلی، در کنار آثار مثبت اشتغال مثل استقلال مالی، اعتماد به نفس، کاهش افسردگی و... به آثار منفی مثل فشار روحی و جسمی ناشی از کار مضاعف و احساس تقصیر در رسیدگی به امور منزل، استرس و... می‌توان اشاره کرد (ابراهیمی و صالحی، ۱۳۹۳). در مقابل و بدون توجه به وضعیت شغلی مادر، برخی پژوهشها نیز نشان داده اند که حمایت از استقلال و خود مختاری نوجوانان، پیش‌بینی کننده دیدگاه‌های مرتبط با پیشرفت در دانش آموزان است (کنی و همکاران، ۲۰۱۰). بنابراین اگر مادران (چه مادران شاغل و چه غیر شاغل) در جهت رسیدگی به وظایف فرزندان خود و رفتار آنها به صورت قانونمند و حمایت‌کننده پیش بروند تفاوت معنی‌داری از لحاظ مشکلات رفتاری و پیشرفت تحصیلی بین فرزندان مادران شاغل و غیرشاغل وجود نخواهد داشت.

برای پاسخ به پرسش چهارم نیز از آزمون تی مستقل استفاده شد و مقایسه میانگین‌های دو گروه نشانگر آن است که تفاوت میانگین انگیزش پیشرفت در نوجوانان دختر بیشتر از نوجوانان پسر است و این تفاوت معنادار است. این یافته با یافته‌های (احمدی، ۱۳۸۴ و نوابی، ۱۳۸۷) که در نتیجه آن، انگیزش پیشرفت پسران بیشتر از دختران بود، همسوییست. برای تبیین نقش انگیزش پیشرفت، برخی پژوهشها نشان داده اند که، مسؤولیت پذیری و انگیزش پیشرفت با هم در ارتباطند. از جمله کاترین (۱۹۹۱) دریافت که مسؤولیت پذیری اجتماعی موجب انگیزش پیشرفت می‌شود و بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و مسؤولیت پذیری آنها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به این معنی که دانش آموزان با انگیزه پیشرفت تحصیلی بالا، تمایل بیشتری به قبول مسؤولیت‌های اجتماعی نشان می‌دهند.

در پایان در پاسخ به این سؤال اساسی که آیا واقعا اشتغال زنان برای خانواده مفید است یا خیر؟ نظرات مخالف و موافق در خصوص اشتغال زنان از اندیشمندان جامعه شناس و روانشناس ارائه شده است. هورنای (۱۹۳۴) به عنوان نخستین فمینیست، مقاله ای نوشت که تعارض‌های روانی را در تعریف نقش زنان توصیف می‌کرد و آرمان‌های سنتی مادری را با دیدگاه جدید مقایسه نمود، در طرح سنتی که

اغلب مردان طرفدار آن بودند، نقش زن عشق ورزیدن به همسرش و تحسین و خدمت کردن به او بود. ولی هورنای توصیه کرد که زنان باید با پرورش دادن توانایی‌ها و دنبال کردن مشاغل، هویت خود را جستجو کنند. این نقش‌های سنتی و مدرن تعارض‌هایی را به وجود آورد که تا به امروز خیلی از زنان نتوانستند آنها را حل کنند.

زنان امروزی بین میل به خوشایند بودن برای مردان و دنبال کردن هدف‌های خود گیر کرده اند، این هدف‌های متضاد، رفتارهای تعارض انگیز را بوجود می آورد؛ اغواگری در مقابل پرخاشگری، تمکین کردن در برابر جاه طلبی، زنان امروزی بین عشق و کار گیر کرده و در نتیجه در هر دو ناخشنود هستند. برای زنان قرن ۲۱ ترکیب کردن زندگی زناشویی، مادری و کار هنوز مشکل آفرین است. از طرفی خانم روزن باوم به عنوان یکی از موافقین اشتغال زنان می گوید: تنها زنان شاغل قادرند برای فرزندان خود تربیتی متناسب با زندگی شغلی شان به ارمغان آورند (به نقل از شولتز، ۲۰۰۵، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۹). همچنین به عقیده آندره میشل خانواده ای که در آن زن، نقش نان آور را به عهده دارد وظیفه جامعه پذیر کردن دختر را بهتر به انجام می رساند تا خانواده زن و شوهری کامل که مرد نقش نان آوری را ایفا می کند. از نظر او، بهره هوش فرزندان زنان فعال (دارای شغل) نسبت به فرزندان که مادرانشان شاغل نیستند در سطح بالاتری قرار دارد (ساروخانی، ۱۳۸۲). دیدگاه فمینیسم نیز معتقد است که در اثر اختیاراتی که به زن داده می شود؛ ممکن است هنگام تجربه موقعیتهای جدید (مثل موقعیتهای شغلی)، محیط کنونی خود را به اندازه ای مختل سازد که به روابط مهم و نظام‌های پشتیبانی دیرین خود مثل خانواده آسیب برساند و درون نظام خانواده نیز، نیروی زن بیش از آنچه هست برآورد شود و ناخواسته از زن انتظارات زیادی داشته باشند (آستین، ۱۳۸۷). بنابراین اشتغال زن، صورت تیغ دولبه را دارد که استقلال بیشتر زن بعد مطلوب آن است و تعدد وظایف وی به صورتی بسیار سنگین بعد مکمل آن است. اما به نظر می رسد بابرگزاری کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی و نیز فرهنگ سازی در بعد فرزندپروری برای مادران شاغل بتوان زمینه تربیت صحیح و شکوفایی استعدادهای فرزندان آنها را فراهم کرد. در خاتمه می توان گفت که هنوز مسیر پژوهش در این زمینه بسیار گسترده است و در متغیرهای مختلف قابل بررسی است.

References

- Ahmadi, F. (2005), **A Study on the Relationship Between the Students' Participation in School Decisions or their Achievement motivation in the Middle School of Tehran**, A Master's Thesis, Islamic Azad University, Central Tehran. [In Persian]
- Austin, Leonard. (2008). **The counseling primer**. (Translation by Amir Khatibi). Beginning. Tehran: Growth. 86,89. [In Persian]

Abedini, A. (2003). **Children and Social and Political Responsibility**, Tehran: Abed. [In Persian]

Alan J (2010) **Adolescents' ideas about individual and social responsibility in relation to children's household**. Journal of vocational Behavior, 77, ۱۹۴-۲۰۵.

Biabangard, I. (2009). **Drop in education or wasting in education**. Quarterly Journal of Education) 223-231 (2) [In Persian]

Blascova, M. (2014). **Influencing Academic Motivation , Responsibility and Creativity**. Social and Behavioral Sciences. 159. 415-425.

Cazan, A.M. (2012). **Self-regulated learning strategies–predictors of academic adjustment**. Social and Behavioral Sciences, 33 , 104 –108.

Chamorro-Premuzic, T., Quiroga, M. A. & Colom, R. (2013). **Intellectual competence and academic performance: A Spanish study**. Learning and Individual Differences. Vol: 19, PP. 486–491.

Chetri, Sita. (2014). **Achievement Motivation of Adolescents and Its Relationship with Academic Achievement**. International Journal of Humanities and Social Science Invention. Vol: 3. No. 16. PP. 8-15.

Clarc-Stewart , K.A . (1989). **Infant daycare, maligned or malignant?** American Psychologist, Vol: 99. No. 2. PP. 266-273.

Celik, I, Halmatov, S; Halmatov, M & Saricam, H. (2012), **Research on views about male university students' marriage and future family role expectation**, Social and Behavioral Science, 46(0), 3275-3278.

Ebrahimi, J, Salehi, F. (2013). **A comparative study on the degree of satisfaction of working women and housewives' life**. Sociology studies. (4) (13) .47-60. [In Persian]

Fogel , A . (1997). **Infancy : Infant , Family, and Society**. West publishing

company. Minneapolisst. Paul Newyork. Losangeles. Sanfrancisco.

Farhadi, S. (2003). **The effect of activity in the student council on self-esteem and responsibility of students of secondary schools in Karaj**, (master's thesis). [In Persian]

Furnham, A. & Mosen, J (2012). **Personality traits and intelligence predict academic school grades.** Learning and Individual Differences. Vol: 19, PP. 28-33.

Heaven, P.C.L., Ciarrochi, J., & Vialle, W. (2008). **Self-nominated peer crowds, school achievement, and psychological adjustment in adolescents: Longitudinal analysis.** Personality and Individual Differences, 44, 977-988.

Helker, Kerstin and Wosnitza, Marold. (2016). **The interplay of students and parents responsibility judgments in the school context and their associations with student motivation and achievement.** Educational Research. 76.34-49.

[Http://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=521](http://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=521). [In Persian] (۲۰۰۷)

Huver, R.M.A., Otten, R., WERIEF, H., ENGELSE, R. C.M.E (2009), **Personality, and parenting style, in parents of adolescents** *Tornal of adolosc E, in Parentsof.* Tornal of adolosc ehce. 1-8.

Javaheri F, Daryapur Z (2008). **Occupational problems of women faculty members.** *Journal of Women's Studis*; 6(2): 79-106 [In Persian]

Khanjani, Z & Mahmoud Zadeh, R. (2012). **The Comparison of parenting and behavioral disorders in working and non-employed mothers.** *Journal of Women and Culture.* 4 (16) .52- [In Persian]

Kurdi, H&, Hadizadeh, S. (2011). **Lifestyle analysis of employed and non-employed women.** *Journal of Women and Society Journal,* 3 (4) .21-41. [In Persian]

Karami, A & Nemati, P. (1399). **Making and normalization the responsibility questionnaire** [In Persian]

Kathryn R. Wentzel. (1991). **Social Competence at school: Relation Between social Responsibility and Academic Achievement-** 1-24.

Kathleen M. Zilo-Guest et al. (2013). **Parental employment and children's body weight: mothers, others, and mechanisms.** *Social Science and Medicine.* 95.52-59.

Kenny, Maureen. E. et al. (2010). **Achievement motivation among urban adolescents** : Work hope, autonomy support and achievement-related beliefs. *Journal of vocational Behavior,* 77, 206-212.

Mirkamali, M et al. (2014). **The Role of Mental Health on Academic Achievement of Students by Mediating Educational Achievement Motivation**. Journal of Knowledge and Research in Applied Psychology. 16 (2). 109-101. [In Persian]

Navabi, M. (2008), **Relationship of High School Teachers' Professional Motivation on the Developmental Motivation of Male and Female Students in Third base of Sabzevar**, Master's Thesis, Roodehen Azad University. [In Persian].

Onder, A & Gulay, H. (2009). **Reliability and validity of parenting style & dimensions questionnaire**. World conference on Educational Sciences

Park, A. B. K. S. (2010). **Relationship between creative attitudes and locus of control among fifth-grade children**. A dissertation for the degree of doctor of philosophy in psychology. San Francisco, California.

Schultz, Devon, Schultz, Sydney Allen. (2005). **Theories of Personality**. (Translated by Seyyed Mohammadi). (2009). Sixteenth edit. Tehran: Virayesh. [In Persian]

Saroukhani, B. (2003). **An Introduction to Family Sociology**. Early in Tehran: Soroush. 169, 170, 172 [In Persian]

Shamekh, F (2007), **Student Responsibility Assessment**, High School at Home and School, Tehran, MSc Thesis [In Persian]

Samadpur, N. (2012). **The effect of household social economic status on emotional intelligence and student's educational activities**. Master's Degree in Management Education. Faculty of Educational Sciences, Rudehen University [In Persian]

Sadeh, A. Tikotzky, L. Scher, A. (2010). **Parenting and infant sleep**, Sleep med rev, 14(20), 89-96.

Schultz, Devon, Schultz (2005), **Sidney Ellen, Personality Theories**, Translated by Seyyed Mohammadi (2007), Sixth Edition, Tehran, edited.

Tong, L, Shinohara, R, Sugisawa, Y, (2009) **Relationship of working mothers parenting style and consistency to early childhood development**.

Tran, Henry. Wrinraub, Marsha. (2011). **Child Care Effects in Context: Quality, Stability, and Multiplicity in Nonmaternal Child Care Arrangements During the First 15 Months of Life**. Developmental Psychology. Volume 42. 566-582.

Zimmerman, B.J. (2008). **Investigating self-regulation and motivation:** Historical background, methodological developments, and future prospects. *American Educational Research Journal*, 45, 166-183.